



همه راه ها به تهران ختم می شوند

مؤلف:

آروین قائمیان

سرشناسه : قائمیان، آروین، ۱۳۶۷-
 عنوان و نام پدیدآور : همه راه‌ها به تهران ختم می‌شوند/ مولف آروین قائمیان.
 مشخصات نشر : اردبیل: نگین سیلان، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۰۵ ص.
 شابک : 978-600-431-500-5
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : آذربایجان -- تاریخ -- ۱۳۰۴ - ۱۳۲۴
 Azerbaijan (Iran) -- History -- 1925 - 1945
 موضوع : آذربایجان -- اوضاع اجتماعی
 Azerbaijan (Iran) -- Social conditions
 آذربایجان -- اوضاع اقتصادی
 Azerbaijan (Iran) -- Economic conditions
 ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
 Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941
 رده بندی کنگره : DSR۱۵۱۱
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۹۲۳۸۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

«عنوان کتاب: همه راه ها به تهران ختم می شوند»
 «تالیف: آروین قائمیان»
 «ناشر: انتشارات نگین سیلان»
 «چاپ و صحافی: چاپخانه نگین»
 «تیراژ: ۱۰۰۰ جلد»
 «نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰»
 «شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۱-۵۰۰-۵»

فهرست مطالب

۱	مقدمه
فصل اول: نگاهی به اوضاع اقتصادی و اجتماعی آذربایجان و شهر تبریز در دوره رضاشاه	
۳	آذربایجان و شهر تبریز در عصر سلطنت رضاشاه
۷	جمعیت آذربایجان و شهر تبریز در عصر سلطنت رضاشاه
۱۱	اقتصاد سیاسی تبریز و آذربایجان
۱۵	اقتصاد خارجی آذربایجان در عصر رضاشاه پهلوی
۲۳	و عطار گفت: اسم اعظم خدا «نان» است
۳۵	فصل دوم: بازرگانان، پیشه‌وران و کارگران تبریزی در عصر رضاشاه
۴۱	آذربایجان و قانون انحصار تجارت خارجی
۴۸	بازرگانان تبریزی و تجارت جهانی
۷۰	تاجران تبریزی و تأسیس کارخانه‌ها و شرکت‌های سهامی
۷۸	اصناف و پیشه‌وران تبریزی در عصر سلطنت رضاشاه
۸۶	رضاشاه و طبقه‌ی کارگر تبریز
۹۵	فصل سوم: تازیانه بر امواج: جامعه و فرهنگ در آذربایجان
۱۰۳	تبریز و بحران کشف حجاب
۱۰۶	یک زبان، یک رنگ، یک فرهنگ؟
۱۱۳	فصل چهارم: تبریز، تجارت و مسیرهای مواصلاتی
۱۳۲	مسیر عراق
۱۳۲	مسیر ترکیه
۱۴۲	راه آهن سراسری ایران
۱۵۱	فصل پنجم: بین دوسنگ آسیاب: شوروی و اقتصاد آذربایجان در عصر سلطنت رضاشاه
۱۵۴	آذربایجان و احیای «بازی بزرگ» بین مسکو و لندن
۱۶۳	فعالیت‌های تجاری شوروی در آذربایجان
۱۷۵	عملیات اطلاعاتی - نظامی شوروی در آذربایجان
۱۸۳	نتیجه
۱۸۶	فهرست مراجع

مقدمه

بنیاد دولت قاجاریه که خاستگاهی آلتاییک (مغولی) داشت^۱، در طول قرن نوزدهم رفته‌رفته به سستی گرایید؛ چرا که تصلب اقتصادی حکومت قاجاریه با تحولات صورت گرفته در نیروهای مولد سرمایه، همخوانی نداشت.^۲ لذا، انقلاب مشروطه را می‌توان از این منظر مورد بررسی قرار داد که این تحول سیاسی-اجتماعی حاصل به اوج رسیدن تعارضات اقتصادی بین نیروهای مولد ثروت و حکومت قاجاریه بود.

سرمایه‌داری ملی ایران که منافع خود را در سایه‌ی گسترش هژمونی اقتصادی بریتانیا و خصوصاً روسیه تزاری در خطر می‌دید، به عنوان موتور محرکه‌ی انقلاب مشروطه ظاهر شد. از سوی دیگر، همانطور که مارکس معتقد است هر تحول اقتصادی، توأم با تحولات سیاسی و اجتماعی و اندولوژیک روبنایی است.^۳ حرکت ایران به سوی نوعی از سرمایه‌داری وابسته، خصوصاً پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، نیز همراه با تغییرات شگرف روبنایی در فکر و اندیشه‌ی اجتماعی جامعه ایران بود؛ لذا می‌توان عنوان داشت که انقلاب مشروطه، ناقوس مرگ حکومت ترک‌تبار قاجاریه و انتقال قدرت به ساختاری نوین، با روکشی از ملی‌گرایی افراطی و ضداسلامی را به صدا درآورد.^۴ مجتبی مقصودی در پژوهش خود (تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها) عنوان می‌دارد که از همان آغاز جنبش مشروطیت، احساس محرومیت در بین آذربایجانی‌ها، که خود نقشی سرنوشت‌ساز در پیروزی آن حرکت عظیم اجتماعی داشتند، ایجاد شد که بازتاب آن حس سرخوردگی مضاعف را می‌توان در قیام دموکراتیک شیخ محمد خیابانی یافت. در واقع، محور اصلی مطالبه‌گری خیابانی، رفع تبعیض و محرومیت سازمان‌یافته علیه توده‌های آذربایجانی بود.^۵ تغییر رادیکال الگوهای فرهنگی و

1. Bradley, D. L, 2018, *Dictionary of Iran: a shorter encyclopedia*, p 534.

۲. امیراحمدی، هوشنگ، ۱۳۷۴، نقش دولت و جامعه‌ی مدنی در فرآیند توسعه، ترجمه علیرضا طب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال دهم، شماره ۱۱۸-۱۱۷، صص ۱۴-۵.

3. Guillermo, A, 1989, *The covert presence and other essays on politics and culture*, Kalikasan Press: P 12.

4. Sanasarian, E, 2000, *Religious minorities in Iran*, Cambridge University Press: Vol. 13, P 55.

۵. مقصودی، مجتبی، ۱۳۸۱، تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، بی‌جا: تمدن ایرانی (وابسته به مؤسسه‌ی مطالعات ملی)،

اجتماعی ایران که محرومیت اقتصادی آذربایجان و دیگر مناطق پیرامونی ممالک محروسه از آن ناشی می‌شد، از آغاز پادشاهی رضاشاه عیان بود. وزیر مختار بریتانیا در تهران به مناسبت انقراض سلطنت قاجاریه و انتقال قدرت به دودمانی از قومیت فارس می‌نویسد:

«سلسله‌ی جدید، اگر نسل اول آن دوام بیاورد، کاملاً فارس است؛ در حالی که قاجارها ترک بودند و ترک باقی ماندند. هر دو سلسله‌ی قاجاریه و صفویه، که بیش از چهار قرن بر ایران حکومت کردند، ترک بودند.»^۱

از منظر دیگر، همان سامان سیاسی نوین پسا-مشروطه، نماینده‌ی طبقه‌ی ثروتمند ملاک-بورژوا و حافظ منافع آنان ضد خزش شوروی نیز بود که اشراف و زمینداران آذربایجانی جزء آنان محسوب می‌شدند. «مارک گازیوروسکی»^۲، استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه ایالتی لوئیزیانا، معتقد است که همانند بنابارت، رضاشاه نیز فرزند خلف طبقه‌ی بورژوازی بود:

«توان رضاشاه در جلب پشتیبانی طبقه‌ی بالای سنتی و نیز طبقه‌ی متوسط توظهور، نمایانگر آن بود که هیچ یک از این دو طبقه توان اعمال سلطه بر حکومت را نداشتند و فقدان برتری یک قوه‌ی معین، رضاشاه را قادر ساخت که استقلال عمل فراوانی بدست آورده و در طول دهه ۱۹۲۰ م. (۱۳۰۸-۱۲۹۸ ه.ش)، حکومتی بنابارت گونه ایجاد کند.»^۳

در پژوهش پیش رو، ابتدا نگاهی به اوضاع عمومی ایران در دوره سلطنت رضاشاه پهلوی خواهیم داشت و سپس به تأثیر فراز رضاشاه بر مناسبات اجتماعی-اقتصادی آذربایجان و خصوصاً شهر تاریخی تبریز و نیز بررسی این موضوع می‌پردازیم که چگونه تبریزیان که روزگاری بیش از دیگر اهالی ایران، هوادار رضاشاه بودند، پس از دو دهه تبدیل به مخالفان جدی حکومتی که وی شالوده‌ی آن را پی افکنده بود، شدند.

1 Milani, Abbas. The Shah. St. Martin's Publishing Group, 2011, P27.

2. Mark, J. Gasiorowski.

۳. مارک ج. گازیوروسکی، ۱۳۷۱، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی